

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

بیست و دوم می 2013

ندامت

ای همیشه در پندارم!

یک روز از شهر تاریک ندامت باز خواهی گشت، تا در ویرانه چشمان من گم گردی. با دستانت گلدسته و فاء و از دریای چشمت صدف عشق هدیه ام خواهی نمود.

با پیچک سبز نگاهت ساقه تنهای تنم را محصور خواهی کرد، تا رنج زمانه دلگیرم را از یاد ببرم.

دلانهای گوشم از نجوای گرم تو لبالب خواهد شد و در هجاهای گرم محبتت تسلیم لحظه های شادمانی خواهم گشت.

آری! یک روز برمیگردی و خلیج کوچک قلبم را در خاطر می آوری و بسویم با گامهای متین و استوار و بزرگ راه میپیمائی. اندیشه هایت زیبا خواهد بود و زمین سبز قلبت ذخیره گاه شعاع آفتاب رحمت .

درغزلگاه آرام چشمانت ابیات امید بخش و فاء را خواهم خواند و بیگناهی را از مبدأ انکار به مقطع باور باز خواهم گردانید.

یک روز باز خواهی گشت و مرا از کنار پنجره باز شده به سمت غروب دلگرفته و غمناک، سوی فروغ امیدبخش فردا خواهی برد.

آه! مهلتم ببخش!!!

آئینه چشمانم زیر خاکستر غم مدفون است، بگذار بجویمش تا روی لوح نگاهت موهبت
عشق را تماشاء کنم و باز در لفافه رنگینه احساسم برایت هدیه ای از جنس وفاء بیچم.
یک روز باز خواهی گشت، باورمندم. یک روز باز خواهی گشت!!!

(ناهدید "غزل" غنی زاده - خزان 1363)